

پیش به سوی جامعه‌شناسی اوقات فراغت

فرشته انصاری
کارشناس ارشد انسان‌شناسی

تا سه سال پیش مشخصاً کتابی در زمینه اوقات فراغت و چگونگی گذران آن در ایران به رشته تحریر درنیامده و یا حداقل منبعی در این زمینه از زبان بیگانه به زبان فارسی ترجمه نشده بود. گرچه از مقوله فراغت به عنوان یک مسأله اجتماعی - فرهنگی در دانشگاهها و دانشکده‌های علوم اجتماعی کشور یاد می‌شود و نیز واحدی زیرعنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت» به صورت واحدی اختیاری به دانشجو معرفی می‌گردد ولی عملاً کارشناسی در زمینه مزبور وجود ندارد تا این رشته درسی را تدریس کند. تنها پاره‌ای مقالات خارجی (انگلیسی و فرانسوی) در این باب ترجمه شده است که این تعداد محدود نیز برای معرفی مفهوم وسیع اوقات فراغت کافی نیست. حال آنکه می‌دانیم اوقات فراغت یکی از مباحث بسیار مهم زندگی بشر امروزی بوده و مطالعه آن یکی از ضروریات مباحث اجتماعی است. اصلاً فهم زندگی فرهنگی و اجتماعی افراد، چگونگی عادات زندگی، سبک و شیوه زندگی از نوع پوشیدن لباس گرفته تا غذا خوردن، از استراحت و بازی کردن گرفته تا نحوه تفکر و اندیشیدن و... بدون شناخت چگونگی گذران اوقات فراغت افراد در یک جامعه میسر نخواهد بود.

کمبودها و مسائل فوق در کشورهای اروپایی و پیشرفته نیز تا سه دهه پیش وجود داشته است به طوری که در این نوع جوامع «شمار کتابهایی که درباره اوقات فراغت نوشته شده، اندک همچنین هیچ دوره آموزشی خواه دانشگاهی و خواه حرفه‌ای در این زمینه ارائه نمی‌شده است. یعنی تا قبل از دهه ۱۹۷۰ میلادی هیچ کس خود را کارشناس اوقات فراغت معرفی نکرده و مؤسسات ملی مانند انستیتوی اوقات فراغت (of Leisure institute)، مدیریت امور تفریحی (amenity management) و انجمن مطالعات اوقات فراغت (leisure studies association) شکل نگرفته بودند» (۱).

اوقات فراغت که جای آن در میان کتب علمی - دانشگاهی بالاخص کتب علوم اجتماعی خالی بود منبع بسیار ارزنده‌ای است که تا حد زیادی کمبود منبع^۱ در بخش اوقات فراغت را جبران می‌کند. این کتاب در ۷ فصل گردآوری شده است که هر یک از این فصول به یک وجه اساسی اوقات فراغت اشاره می‌کند.

فصل اول ابعاد اوقات فراغت را مورد بررسی قرار می‌دهد و تلاش



- اوقات فراغت
- لس هیوود، فرانسیس کیو، پی‌تر براهام، جان اسپینگ، جان کاپنهارست و یان هنری
- محمد احسانی
- امید دانش (به سفارش پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
- ۱۳۸۰، ۳۹۶ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

می‌کند تا ذهن مخاطب را به فهمی شفاف از این مفهوم معطوف سازد. گرچه مؤلفان در این فصل اوقات فراغت را تعریف نمی‌کنند ولی می‌کوشند تا با ارائه مفاهیم و توضیحاتی خواننده را به سوی تعریف هدایت نمایند.

اوقات فراغت برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد و این امر بر پیچیده بودن این مفهوم دلالت دارد. برای مثال عده‌ای فراغت را زمانی می‌دانند که پس از انجام کار یا انجام وظایف و مسئولیتهای روزمره برایشان باقی مانده است. عده‌ای دیگر اوقات فراغت را زمانی می‌دانند که به آنها این اجازه و امکان را می‌دهد که از روی میل و اختیار هرکاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند و عده‌ای دیگر ممکن است به اوقات فراغت به عنوان فعالیت نگاه کنند نظیر شرکت در فعالیتهای ورزشی و... بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دریافت افراد از این مفهوم گوناگون است.

مؤلفان در فصل اول درصددند تا با مقایسه مفهوم فراغت با دو مفهوم بسیار نزدیک به آن یعنی «کار» و «بازی»، شبهات را در این زمینه پاسخ دهند. آنان در پاسخ به افرادی که میان سه مفهوم اوقات فراغت، بازی و کار ملازمت و نزدیکی بسیاری در نظر می‌گیرند، می‌گویند: گرچه این مفاهیم بسیار در هم تنیده‌اند ولی «بازی» به دلیل سرشت غیرجدی بودن، محدود بودن به خود (همه چیزش در خودش مستتر است)، محدودیت داشتن از نظر زمانی و مکانی، گاهی تحت قوانین خشک قرار گرفتن و... از اوقات فراغت متمایز می‌شود و «کار» به دلیل همراه بودن با دستمزد، داشتن ساختار سازمانی، مرتبط کردن فرد با خارج از جامعه از طریق نقش شغلی، جدی و اجباری بودن با اوقات فراغت تفاوت دارد.

بدین وسیله کتاب دامنه و حوزه نفوذ اوقات فراغت را در زندگی افراد تعیین و آن را به مخاطبان می‌شناساند.

فصل دوم به بررسی فعالیتهای اوقات فراغت می‌پردازد. این فعالیتها در شش نوع فعالیت عمده در نظر گرفته شده‌اند: الف - تفریحات اعم از ورزشها، کارهای هنری و گشت و گذار در بیرون از شهر ب - سرگرمیها، هنرهای دستی

و آموزش پ - گردشگری و تعطیلات ت - مشغولیات ث - تسهیلات و خرید ج - بازیهای معمولی و شرطبندی.

سیس کتاب به توضیح و معرفی دقیق هریک از فعالیتهای فوق می‌پردازد. به نظر می‌رسد که دلیل انتخاب این فعالیتها از سوی مؤلفان این باشد که آنها درصددند با نگاهی جامع‌گرا و نه تک‌بعدی فعالیتهایی را به صورت فراغت معرفی کنند که علاوه بر آنکه تقسیم‌بندیهای صاحب‌نظران دیگر را پوشش می‌دهد، کمبودها و نقایص نقطه نظرات آنها را نیز جبران می‌نماید. برای مثال «ماکس کاپلان» (Max Kaplan) فراغت را در شش گونه معاشرت، شرکت در انجمنها، بازی، هنر، فعالیتهای پرتحرک و فعالیتهای بی‌تحرک جای می‌دهد (۴۰، ۱۹۷۶، parker) و یا گروهی نظیر «جان کلی» (John Kelly) آن را به اشکال اوقات فراغت درون خانگی (indoor Leisure) و برون خانگی (out door leisure) تقسیم‌بندی می‌کنند (فکوهی، ۱۳۷۹، ۱۳۵) ولی فعالیتهای فراغتی موردنظر مؤلفان کتاب که دربرگیرنده ابعادی چون رسمی بودن (شرکت و حضور خود افراد در فراغت)، زمینه‌ای بودن (حضور دولت در فراغت)، فعال بودن (همراه بودن فراغت با یکی از موارد تولید، تجربه و یا خلق و ابتکار) و منفعل بودن (معطوف بودن فراغت به مصرف و نه تولید) است، دیدگاههای صاحب‌نظران دیگر را نیز دربرمی‌گیرد.

فصل سوم کتاب، به ویژگیهای افراد در گذران اوقات فراغت پرداخته و عوامل تأثیرگذار بر فراغت آنها را مورد مذاقه قرار می‌دهد. از منظر مؤلفان کتاب تمامی افراد به یک میزان از اوقات فراغت بهره نمی‌برند و یا شکل گذران فراغت همه‌آحاد مردم یکسان نیست. این گوناگونیهای فراغتی که به طیف وسیعی از محدودیتهای و فرصتها برای اوقات فراغت تبدیل می‌شود ناشی از عوامل مختلفی است که اهم آنها عبارت‌اند از: طبقه اجتماعی و به تبع آن میزان درآمد و نوع شغل افراد، جنسیت، میزان وقت و زمان در دسترس افراد، فضا و مکانهای مورد استفاده و در اختیار مردم، نوع و شکل

امروزه با گذر از مرحله صنعتی شدن و ورود به مرحله فراصنعتی و عصر اطلاعات و به تبع آن گسترش صنایع ارتباطی و اطلاع‌رسانی تغییرات شگرفی در زندگی افراد ایجاد شده است که ناخواسته فراغت و دیگر زمینه‌های وابسته به آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است





خواننده باید بکوشد مفاهیم کتاب را براساس مصادیق فراغت در جامعه خود عملیاتی و کاربردی سازد

کتاب اوقات فراغت منبع ارزنده‌ای است که تا حدی کمبود در این زمینه را برطرف می‌کند

فصل هفتم که یکی از جذاب‌ترین و مهم‌ترین بخشهای کتاب است به بررسی نظریه‌های صاحب‌نظران و اندیشه‌های مکاتب فکری در زمینه اوقات فراغت اختصاص یافته است. در واقع در این بخش رویکردها و نظریه‌های اجتماعی متعدد در زمینه مزبور بررسی می‌شود. این نظریه‌ها صرفاً در بردارنده دیدگاههای متفکران قدیمی اوقات فراغت چون «تورشتاین وبلن» (Thorestein Veblen)، «ژوفر دومازدیه» (Joffer Dumazdier)، «گرازیبا» (Grazia) نیست، بلکه مؤلفان کوشیده‌اند به رویکردهای اخیر فراغت نیز بپردازند.

نظریه‌پردازی در زمینه فراغت دچار یک چالش جدی است و کمبود و نارسایی در این زمینه به چند علت عمده برمی‌گردد: اول آنکه بر طبق دیدگاه سنتی، اوقات فراغت در رابطه با کار و اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه به هنگام نظریه‌پردازی در مقایسه با موارد مهم‌تری چون کار، خانواده، سیاست و... مقوله و فراغت موضوعی اضافی و حاشیه‌ای به شمار آمده است. دلیل دیگر به محدود بودن تاریخچه خود موضوع اوقات فراغت برمی‌گردد چرا که اوقات فراغت تا اندازه زیادی محصول سرمایه‌داری قرن بیستم است و از این جریان زمان زیادی نمی‌گذرد. در واقع اوقات فراغت نیز همانند جنسیت از دید تاریخ پنهان مانده است. دلیل دیگر مربوط به پیچیدگی شناخت اوقات فراغت، اشکال آن و درک پیچیده مفهوم آن است ولی به هر روی مؤلفان کوشیده‌اند تا با ارائه نقطه نظرات صاحب‌نظران تا حدی این نقیصه را جبران نمایند. آنها ابتدا به بررسی دیدگاههای مربوط به اوقات فراغت از منظر صاحب‌نظران سنتی پرداخته و سپس رویکردهای صاحب‌نظران اخیر و جدیدتر را مورد مذاقه قرار می‌دهند.

در یک نگاه اجمالی رویکردهای سنتی عبارتند از:

الف - دیدگاهی که فراغت را به مثابه کنش و یا عمل تلقی می‌کند و آن را فرایندی آزادی بخش، غیرجدی و غیرتولیدی می‌داند.

ب - دیدگاهی که بنا به نوع ساختار، اوقات فراغت را به عنوان ابزار کنترل در نظر می‌گیرد.

پ - دیدگاهی که رویکرد اول و دوم را با یکدیگر تلفیق نموده و معتقد است که اوقات فراغت هم به مثابه آزادی و هم به عنوان فرایند کنترل در نظر گرفته می‌شود. یعنی در عین حال که برای آدمی فرصت ایجاد می‌کند وی را محدود نیز می‌سازد.

مؤلفان چشم‌اندازهای اخیر در مورد اوقات فراغت را با مطرح نمودن رویکرد نمادین و طرح نظریه پیکره‌بندی و فرایند متمدن‌سازی از نوربرت الیاس آغاز کرده و سپس به بررسی نظریه‌های دانینگ (Dunning) در مورد مقایسه بازیهای سنتی توده‌پسند و بازیها و ورزشهای جدید می‌پردازند.

در مراتب بعدی دیدگاه پژوهشگران «مرکز مطالعات فرهنگی بیرنگام»

فعالیت‌های فراغتی، خانواده و تأثیرات آن، سن افراد، قومیت و تعلقات قشری، نژادی و یا فرهنگی و در نهایت معلولیت یا نقص عضو و یا عدم بهره‌مندی از تواناییهای جسمی. هریک از مؤلفه‌های فوق، چگونگی گذران فراغت را از فردی به فردی و یا از گروهی به گروهی دیگر متمایز می‌سازند.

در فصل چهارم، فضاها، اماکن و محیطهای مختلفی که می‌تواند محلی برای گذران فراغت افراد باشد معرفی و بررسی می‌شود. این اماکن گاه مختص فضای داخل خانه و گاه مربوط به فضای خارج از خانه است. فراغت افراد گاهی در داخل شهر و گاه خارج از آن سپری می‌شود. همچنین برخی از اماکن فراغتی فقط در بخشهای خاصی از شهر مثلاً مرکز شهر ساخته می‌شوند و گاهی از وجود این فضاها در بخشهای حاشیه شهری و یا محله‌های کم درآمد خبری نیست. در واقع تأثیر و نقش فضاها در چگونگی گذران فراغت به قدری زیاد است که به هنگام برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در زمینه فراغت، کارگزاران باید به اهمیت، ظرفیت، جایگاه، نوع و شکل ساخت این فضاها توجه کنند. مؤلفان معتقدند استفاده از چنین فضاهایی تا اندازه زیادی به میزان درآمد، طبقه اجتماعی، سن، جنس و دیگر عوامل مهم و مؤثر بر اوقات فراغت ارتباط دارد.

فصل پنجم را می‌توان یک بخش ویژه و تخصصی برای تدارک و فراهم نمودن شرایط و اوقات فراغت در یک جامعه خاص در نظر گرفت. گرچه می‌توان از آن در برخی موارد استنباط عام نمود ولی بخش موردنظر پیشتر معطوف به کشور انگلستان بوده و در زمینه نقش بخشهای کارگزار چون دولت، تجارت و بخش داوطلبانه در امر برنامه‌ریزی و تسهیل شرایط فراغت برای افراد این کشور توضیحاتی می‌دهد و در جای دیگری از همین فصل به بررسی پیشینه و سیر تاریخی اوقات فراغت در کشور انگلستان (البته بعد از انقلاب صنعتی) و چگونگی تغییر و تحولات ایجاد شده در زمینه مزبور می‌پردازد.

فصل ششم کتاب به ترسیم آینده اوقات فراغت می‌پردازد. می‌دانیم که امروزه با گذر از مرحله صنعتی شدن و ورود به مرحله فراصنعتی و عصر اطلاعات و به تبع آن گسترش صنایع ارتباطی و اطلاع‌رسانی تغییرات شگرفی در زندگی افراد ایجاد شده است که ناخواسته فراغت و دیگر زمینه‌های وابسته به آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از این رو مؤلفان معتقدند توجه به فراغت و برنامه‌ریزی پیرامون آن باید با توجه به شرایط خاص جهان امروزی صورت گیرد. کتاب توجه به رویاهای مردم در زمینه فراغت به ویژه از طریق فیلم و سینما را نظیر فیلم «پرتغال ساعتی» [کوکلی] و «پارک ژوراسیک» راهی برای درک آینده اوقات فراغت می‌داند.



که «هنرهای دستی» در وهله اول مشتمل بر نوعی از تولید یا نسخه برداری از اشیائی خاص اند، ولی «هنر» با خصیصه زیباشناسی بررسی می شود و نه بر اساس رویکرد تولیدی. درباره دو مقوله سرگرمی و هنر دستی نیز مؤلفین معتقدند «کارهای دستی» مستلزم تولید فعال و ماهرانه اند و ارائه آنها معمولاً از طریق برنامه آموزشی بزرگسالان انجام می گیرد. به عبارت بهتر آستانه مهارت مشخص برای انجام این گونه فعالیتها به صورتی است که شرکت کنندگان غالباً برای فراگیری آنها به آموزشی که کارشناسان ارائه می دهند وابسته اند، ولی «سرگرمیها» ویژگی مزبور را نداشته و یا حداقل با هدف تولید انجام نمی شوند. از سوی دیگر از مقایسه «مشغولیات»^۲ با سایر زمینه های فراغتی چنین به نظر می رسد که مشغولیات با ویژگی توده ای بودن (استفاده توده مردم از آن) مشخص می شوند. حال آنکه سایر زمینه های فراغتی الزاماً ممکن است وجه توده ای بودن و مخاطب قرار دادن بخشی یا گروهی از مردم را در آن واحد به همراه نداشته باشند.

پی نوشت ها:

- ۱- می توان به این مجموعه کتابهای دیگری را نیز اضافه نمود:
الف- سازمان ملی جوانان (۱۳۷۹) جوانان و تجربه زندگی در اوقات فراغت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ب- بی هنری، لئو و همکاران (۱۳۸۱) اوقات فراغت و سبکهای زندگی جوانان. مرتضی ملانظر و فرامرز ککولی دزفولی. تهران: نسل سوم (سازمان ملی جوانان).
- ۲- نظیر تماشای یک فیلم در سینما، رفتن دسته جمعی اعضای خانواده به رستوران و صرف غذا و...

منابع فارسی

- ۱- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۶) درآمدی بر جامعه شناسی فراغت. روزنامه همشهری، سال پنجم، شماره ۱۲۹۸، ص ۶.
- ۲- توکل، محمد (۱۳۷۰) جامعه شناسی علم. تهران: مؤسسه علمی - فرهنگی نص.
- ۳- دومازده، ژوفر (۱۳۵۲) زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسانه، م. آدینه، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، ص ۱۳.
- ۴- دومازده، ژوفر (۱۳۵۲) مقدمه ای بر جامعه شناسی فراغت، علی اسدی، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، ص ۳۰.
- ۵- فکوهی، ناصر (۱۳۷۹) از فرهنگ تا توسعه: توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران. تهران: فردوس.

منابع انگلیسی:

- Dumazdier, Juffer (1972) Leisure Encyclopedia Free Press and of the Social Sciences. Newyork and London: Collier. Macmillan Publishers. Macmillan Company and the Parker, Stanely (1976) The Sociology of Leisure. London: George Allen unwin ltd.

سبب شده بود تا بیشترین زمان زندگی صرف تلاش برای زنده ماندن شود، با این تفاوت که در هوای خوب آهنگ کار تند بود و در هوای بد این آهنگ به کندی می گرایید. در «تمدن کشاورزی»، پیشرفتهای فنی توانسته بود تنها اندکی بر کارایی نیروی به دست آمده از فعالیت انسان و حیوان بیفزاید. اما ابزارهای فنی آن روزگار همانند گاواهن و خیش برای آزاد ساختن آدمی از تلاش برای معاش کافی نبود. تحولات دوره رنسانس در کنار اختراع ابزارهای فنی نوین مانند ماشین بخار و پیشرفت علوم جدید در سده های ۱۶ و ۱۷ م، دوران جدیدی را پایه گذاری کرد که «تمدن صنعتی» نام گرفت (توکل، ۱۳۷۰، ۱۰۲) در آغاز این تمدن، حوزه کار از مزرعه و کارگاههای کوچک خانوادگی به کارخانه ها انتقال یافت و رفته رفته با بهبود ابزارهای فنی و اختراع و ابداع وسایل جدید، ماشینها جای آدمها را در انجام کار گرفته و زمان کار کاهش یافت و در نتیجه وقتی را تحت عنوان «فراغت» ایجاد نمود. بنابراین فراغت پدیده ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد (ایمانی، ۱۳۷۶). براین اساس عده ای دیگر از علمای اجتماعی نیز معتقدند که اوقات فراغت با داشتن دو شرط، در تمدنهای صنعتی و پسا صنعتی وجود دارد و نبود آن در تمدنهای باستانی و کشاورزی سنتی به معنای نبود فراغت در این جوامع است. این دو شرط عبارتند از: الف - فعالیتهای جامعه اعم از کار و فراغت تحت تأثیر مراسم اجباری و الزامات و تعهدات فرهنگی - اجتماعی جامعه قرار نگرفته بلکه با اراده و اختیار فرد سپری می شود.

ب - فراغت از سایر فعالیتهای انسان چون کار جدا می گردد (Dumazdier, 1972). بنابراین آنچه گفته شد اوقات فراغت به این معنا نمی تواند متعلق به جوامع قدیمی و ابتدایی باشد چرا که اولاً فراغت در آن زمان شکل اجبار اجتماعی داشت، از طرف دیگر فعالیتهای انسان نظیر کار در ارتباط بود درحالی که این امر با آنچه به عنوان دو ویژگی اساسی فراغت ذکر شد متفاوت است.

۴ - فصل دوم کتاب چنانکه قبلاً نیز ذکر شد معطوف به بررسی فعالیتهای عمده فراغتی در شش وجه است. با مطالعه این فصل احتمالاً چند سؤال به ذهن خوانندگان خطور خواهد نمود: الف - چرا کتاب فعالیتهایی چون ورزش، کارهای هنری و گشت و گذار در بیرون از شهر را از سویی در مقوله تفریحات قلمداد نموده و از سویی دیگر آنها را مفاهیمی متفاوت از هم در نظر می گیرد؟ ب - چرا هنر و هنر دستی از یکدیگر متمایز می شوند؟ پ - چرا سرگرمی و هنر دستی متفاوت از هم بررسی می شوند؟ ت - چرا ورزش در مفهومی جدای از مشغولیات و سرگرمیها، مورد بررسی قرار می گیرد؟ مگر نه این است که این مقوله ها، مفاهیمی نزدیک به هم اند؟ مؤلفین کتاب به طور ضمنی و تلویحی سؤلهای فوق را پاسخ داده اند ولی این پاسخها چنان در متن پنهان اند که خواننده تنها با قرائت چندین باره می تواند به پاسخ واقعی دسترسی یابد. از منظر مؤلفین گرچه ورزش، هنر و گشت و گذار هر سه تفریح محسوب می شوند ولی «ورزش» با داشتن ویژگی مهارت جسمانی - روانی و حرکتی، «هنر» با برخورداری از بعد زیبایی شناختی و «تفریح بیرون از شهر» با مشخصه گذراندن فراغت در بیرون از جامعه شهری مطرح می گردد. و یا از مقایسه هنر و هنر دستی چنین برمی آید که به رغم شباهت بسیار زیاد میان این دو مقوله ولی بنا به سرشت عملکردی، این دو مفهوم از یکدیگر فاصله می گیرند. بدین ترتیب